

بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ

يا ربّ النور والظلام



دانشگاه یزد

مجتمع هنر و معماری

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

معماری

جایگاه نور در معماری اسلامی

طراحی موردی: دارالقرآن محله شیخداد یزد

استاد راهنما: دکتر محمد رضا اولیا- مهندس مهدی محمودی

استاد مشاور: دکتر هادی ندیمی

پژوهش و نگارش: سید محمد کاظمی

شهریور ۸۶

۹۴۷۴

کتابخانه تخصصی معماری
دانشگاه یزد

۱۳۸۶ / ۱۷ / ۲۸

تقدیم:

تقدیم به مظهر نور عالم ظلمت امام عصر (عج) (ابجد ۲۵۶) و
پرچمداران علم و آگاهی که با نور علم تشنگان حقیقت را سیراب می نمایند.

قدردانی:

تشکر و قدردانی از معلم اخلاق پدر بزرگوام که هر چه دارم از برکت وجود آن جناب است و نیز مادر گرامی.

تشکر از صاحبان علم و آگاهی اساتید بزرگوار و دانشجویان معزز و کلیه کسانی که بستر تربیتی را برای تعالی اندیشه انسانی فراهم نموده و می‌نمایند.

قدردانی ویژه از استاد عزیزم، دکتر محمد رضا اولیا

(و نیز دانشجویان گرامی خانم زهره یادگاری و آقای نادر ملکی.)

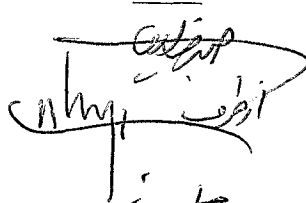


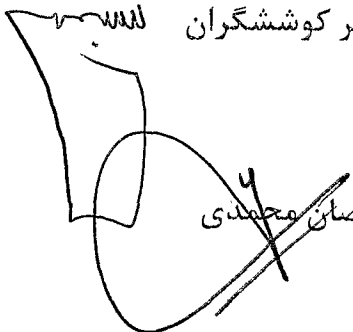


مدیریت تحصیلات تکمیلی

شناسه: ب/ک/۳

صور تجلسه دفاعیه پایان نامه دانشجو
دوره کارشناسی ارشد

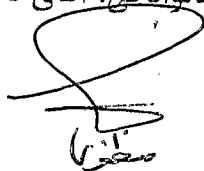
جلسه دفاعیه پایان نامه تحصیلی آقای سید محمد کاظمی دانشجوی کارشناسی ارشد مجتمع هنر و معماری دانشگاه یزد در رشته/گرایش معماری
تحت عنوان: جایگاه نور در معماری اسلامی - طراحی موردی: دارالقرآن محله شیخداد یزد
و تعداد واحد: ۶ در تاریخ ۸۶/۸/۲۸ با حضور اعضای هیأت داوران (به شرح ذیل) تشکیل گردید.
پس از ارزیابی پایان نامه توسط هیأت داوران، پایان نامه با نمره: به عدد ۱۶ و به حروف شانزده
و درجه بسیار خوب مورد تصویب قرار گرفت.

| عنوان | نام و نام خانوادگی | امضاء |
|-------------------------|--|---|
| استاد / استادان راهنما: | ۱- آقای دکتر محمدرضا اولیاء ۲- آقای مهندس مهدی محمودی |  |
| استاد / استادان مشاور: | آقای دکتر هادی ندیمی |  |
| متخصص و صاحب نظر داخلی: | آقای دکتر سید علی اکبر کوششگران |  |
| متخصص و صاحب نظر خارجی: | آقای دکتر محمدرضا نقصان محمدی |  |

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (ناظر)

نام و نام خانوادگی: آقای دکتر غلامعلی مظفری

امضاء:



چکیده:

نظام عالم، نظامی وحدت یافته است و اجزاء آن نیز بیان چنین توحیدی را بازخوانی می‌کند. دارالتعلیم مفهومی است، که فعل برآمده از آن می‌تواند حاوی این نظام توحیدی باشد. و اجزاء شکل دهنده آن از جنبه کالبدی و یا معنایی چنین بیانی را منتقل نماید. در این وجه، رویکرد به ساحت نور در طراحی مورد توجه خواهد بود.

ساحت نور اندیشه‌ای در دو وجه ظاهری و باطنی را معرفی می‌کند. شناخت و مرحله ورود به این مقام در پیشگاه قرآن و احادیث نبوی منزلت مخلوقی روحانی را در بیانی هنری بازخوانی می‌کند تا هویت آن را در راستای چگونگی ذکر نشان دهد.

نور در نگاه فلاسفه ایران سیر تاریخی گذشته ایران را در پیوند با دوره اسلامی منزلتی کیفی در اصالت می‌داند و آن، نگاهی کلی به ذکر در عالم هستی خواهد داشت.

نظر به مقام نور در سیر تاریخی ایران و باور بدان، اندیشه انسان را در بهره‌گیری از نور طبیعی در زندگی گذشته و نیز کیفیت حضور آن در اعتقادات معلوم می‌دارد.

نور چه به لحاظ عینی که از اصول و مبانی بستر ساز در ارائه یک کالبد منطقی است و معماری گذشته ما به خوبی بیانگر چنین وجهی در کالبد معماری بوده است، و چه به لحاظ معنایی دارای مقامی است که قدرت بیانگری آن، چنان عمیقی باشد که به نظر کمتر پدیده‌ای در عالم را می‌توان واجد چنین امری کیفی نماید که دو وجه ذکر شده را بیانگری کند.

شکل و نحوه حضور نور در بناهای گذشته ما باور به اندیشه متعالی را عرضه‌گری نموده است. این چنین رویکرد به هنر و اثر هنری، تلاشی بر تکامل انسان بوده که با رجوع به مصادیق در آثار معماری ایرانی، (که نتیجه این معماری وحدت در آثار کشف شده است) در مقام تجلی و عرضه نور در مکانهای مختلف، وجوه برشمرده را بیانگری می‌کنند.

... نیاز انسان (وجوه مادی، روانی و روحانی) در باب هستی و حضور کیفی نور در کالبد

اثرگذار خواهد بود و فعل برآمده از هنرمند را در بردارنده چنین اندیشه‌ای می‌داند.

تمرین طراحی، دارالتعلیم محله شیخداد است که بایستی در شناخت موضوع و بهانه‌ای در نمایش مفهوم نور از بضاعت نگارنده. که روند تمرین در محتوا و کاربرد آن منعکس گردیده است.

واژگان کلیدی: نور، اندیشه‌متعالی، دارالقرآن، شیخداد.

فهرست مطالب

فهرست شکلها :

فهرست تصاویر :

سخن آغازین

۳

الف- تعریف

۳

ب- شرح فرضیه

۳

ج- ضرورت و اهداف پژوهش

۴

د- موضوع

فصل نخست:

ساحت کیفی نور در اسلام

۶

۱- اهمیت مبحث نور

۷

۲- نور و ظلمت در قرآن و حدیث

۱۱

۳- نور در حکمت شیخ اشراق

۱۴

۴- مراتب نوری عالم

۱۷

۵- تمثیل نور و خیال در آراء غزالی (فانوس خیال)

۲۰

۶- نتیجه گیری

فصل دوم:

۲۲

تجلی نور

منظر نور از گذر زمان

| | |
|----|---------------------------------|
| ۲۳ | ۱-۲- نور اندیشه‌ای انسانی |
| ۲۵ | ۲-۲- تجلی، عرضه‌گاه نور در مکان |
| ۲۸ | ۳-۲- نور باوری در معماری |
| ۳۴ | ۴-۲- نتیجه‌گیری |

فصل سوم :

| | |
|----|---|
| ۴۳ | انگاره‌ی حضور نور در معماری : |
| ۴۴ | ۱-۳- معماری ایرانی ، مکان حضور کیفی نور |
| ۴۸ | ۲-۳- در باب حضور کیفی نور |
| ۶۱ | ۳-۳- نتیجه‌گیری |

فصل چهارم :

بررسی طرح

| | |
|----|------------------------------|
| ۶۲ | ۱-۴- تحلیل سایت |
| ۷۱ | ۲-۴- شناخت موضوع |
| ۷۴ | ۳-۴- نظام طراحی (دارالتعلیم) |

| | |
|----|-----------|
| ۷۷ | ضمائم |
| | کتاب نامه |

فهرست تصاویر:

| | | |
|-----------------------|----|--|
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۵ | ۲-۱ حمام نو(محلّه فهادان یزد) |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۵ | ۲-۲ بازارچه پنجعلی یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۵ | ۲-۳ بازار قیصریه یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۵ | ۲-۴ بازار قیصریه (میدان خان یزد). |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۵ بازار مسجد جامع یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۶ مسجد جامع یزد(فضای گنبدخانه). |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۷ مسجد جامع یزد(شبستان شرقی). |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۸ و ۲-۹ بانک شاهنشاهی(بازار خان یزد) |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۱۰ بازار یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۶ | ۲-۱۱ بانک شاهنشاهی(بازار خان یزد). |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۷ | ۲-۱۲ مسجد جامع یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۷ | ۲-۱۳ مسجد جامع یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۷ | ۲-۱۴ محراب مسجد جامع یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۷ | ۲-۱۵ گنبد بقعه سیدرکن الدین یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۷ | ۲-۱۶ و ۲-۱۷ گنبد و گنبدخانه مسجد جامع یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۸ | ۲-۱۸ خانه ملک زاده (فهادان یزد) |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۸ | ۲-۱۹ خانه ملک زاده. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۸ | ۲-۲۰ فضای داخلی مسجد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۸ | ۲-۲۱ مدرسه خان یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۸ | ۲-۲۲ مدرسه خان یزد. |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۹ | ۲-۲۳ بانک شاهنشاهی - بازار خان یزد |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۹ | ۲-۲۴ مسجد جامع یزد، شبستان شرقی |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۹ | ۲-۲۵ مسجد جامع یزد، شبستان غربی |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۹ | ۲-۲۶ مسجد جامع یزد، شبستان شرقی |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۳۹ | ۲-۲۷ و ۲-۲۸ بانک شاهنشاهی، بازار خان یزد |
| سایت اینترنت معماران | ۴۰ | ۲-۲۹ مجموعه‌ای فرهنگی، اروپا |
| کتاب ایران پل فیروزه | ۴۰ | ۲-۳۰ در ارسی، خانه‌ای در شیراز |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۰ | ۲-۳۱ چایخانه سنتی، کوچه مسجد جامع یزد |
| سایت اینترنت معماران | ۴۰ | ۲-۳۲ مسجد جامع اصفهان |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۳ موزه کیمیل، اثر لویی کان |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۴ کلیسای نور |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۵ کلیسای نور |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۶ کلیسای روی آب |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۷ همان |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۸ همان |
| سایت اینترنت معماران | ۴۱ | ۲-۳۹ همان |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | ۲-۴۰ خانه لاریها، یزد |

| | | | |
|-----------------------|----|------------------------------------|------|
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | خانه لاریها، یزد | ۲-۴۱ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | پایاب مسجد جامع یزد | ۲-۴۲ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | پایاب مسجد جامع یزد | ۲-۴۳ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | پایاب مسجد جامع یزد | ۲-۴۴ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۲ | زیرزمین خانه لاریها، یزد | ۲-۴۵ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | پایاب خانه کلاهدوزهای یزد | ۲-۴۶ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | سرداب، همان | ۲-۴۷ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | نمایش مقطع از پایاب خانه کلاهدوزها | ۲-۴۸ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | همان | ۲-۴۹ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۳ | گنبد هشت، محله فهادان یزد | ۲-۵۰ |
| آرشیو آقای هادی کریمی | ۴۳ | پایاب داخل حسینیه هشت، فهادان | ۲-۵۱ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | زیرزمین خانه کلاهدوزها | ۲-۵۲ |
| آرشیو شخصی نگارنده | ۴۳ | همان | ۲-۵۳ |

مقدمه:

اعتقاد به ارزشهای پایدار در معماری، برای بیان نمونها و جلوه‌های هنری نقش آفرین است. فرایند ادراک انسان از پدیده‌های بصری که در حیطه معماری، ورای تعاریف متعارف مادی نقشی را مجسم می‌نماید، هر چند در حضور و تخیل ذهنی متصور شده نیست، ولی بیانی از آفرینش خواست درون و ارتباط با حضور غایی عنصری فرا مادی را طلب می‌کند.

با این مقدمه کوتاه حیطه موضوع این رساله در قالب شیوه نگرش به مکانی خواهد بود که هدف آن رویکردی معنایی، به واسطه عنصری شفاف (نور) در کار طراحی می‌باشد. "برای درک معماری سنتی اسلامی، یا هر صورت دیگری از معماری سنتی به این منظور، شناخت شیوه‌های نگرش انسان اهل سنت نه تنها به کلیت معماری، از جمله بعد کیهان‌اش، بلکه به اجزایش نیز ضروری است" (نادر اردلان-لاله بختیار، ۱۳۸۰، ص ۱).

با این رویکرد، طراحی دارالتعلیم مورد توجه خواهد بود. این طرح در بافت تاریخی شیخداد یزد در کنار عناصر با ارزش فرهنگی شکل خواهد گرفت. این نگاه که ساحت نور در مکانی بمانند دارالتعلیم در ارائه کیفیت به فضا مؤثر خواهد بود و با این جنبه که می‌توان به فضاها محتوا و معنایی ویژه بخشید، رویکرد به ساحت نور مد نظر بوده است. با این شیوه نگرش که بر حسب نوع فضاها، نحوه ادراک شخص از فضا تغییر می‌یابد و برخورد با موضوع جنبه‌ای ویژه در ادراک فضا خواهد داشت.

در معماری سنتی، همانند همه‌ی هنرهای سنتی، هیچ چیز هرگز از معنی منفک نیست. ومعنی هم چیزی جز معنویت نمی‌باشد، درست همانگونه که خود واژه‌ی معنی در هر دو زبان عربی و فارسی بر دو مفهوم، یعنی هم معنی و هم معنویت، دلالت دارد.

نور عمده‌ترین مشخصه‌ی معماری ایران است، نه فقط به مثابه عنصری مادی بل همچون

نمادی از عقل الهی و همچنین وجود. (همان، ص م)

دارالتعلیم خود حاوی محتوایی ویژه است. در نحوه حضور نور مکان دارای اصالتی ویژه می-
شود که در پی آن، پیامدی کیفی را به همراه خواهد داشت. در طراحی دارالتعلیم سعی در حضور
عناصری است که بیان کیفی نور را بیشتر منعکس خواهند کرد. (قرآن خود نور است و مکان آن،
مکانی نورانی. ابزار معماری، هر چند ناچیز، تنها قطره‌ای از این دریا را شامل می‌شود تا به کمک
آن ساحتی کیفی از نور رد اثر را نمایش دهند).

الف - تعریف

با تجربه و ادراک فضای معماری ایرانی به نظر می‌رسد که حضور نور در آن نه تنها پیامد دانش بلکه بینشی ویژه بوده که با عنایت به آنها نور به اثر معماری راه یافته است. تلاش در جهت پیدایی منطق این حضور کیفی و به کارگیری نور و حضور بخشی به آن مسیر رساله را تعیین نموده است. آنچه را که در سیر بررسی آثار معماری ایرانی در نسبت با حضور نور احساس و ادراک می‌شود، گوناگونی‌های صور شکلی را ایجاد و نمایش می‌دهد.

شناخت جایگاه حقیقی نور با نظر به حکمت و فلسفه، نیاز به تامل در این مسیر را بیش از پیش متوجه خود می‌کند و در برپایی یک اثر رویکردی کیفی را می‌بخشد، این مسیر نیاز به شناخت دارد تا در هویت بخشی به باور ایرانی و حضور در معماری ایران با واگرایی ذهنی بتوان ساخت آن را درک نمود.

ب - شرح فرضیه

اگرچه به نظر می‌آید نور را، از حیث ساختار کالبدی، نمی‌توان عنصر تشکیل‌دهنده معماری به شمار آورد اما نور را به سبب ایفای نقش چند سویه در پایداری، ساختار کالبدی- فضایی، کارا نمودن و نیز کیفیت بخشی می‌توان یکی از بنیادی‌ترین عنصر سازنده غیر ساختاری معماری برشمرد که وجود و حیات معماری به آن بستگی تام دارد. نور طبیعی یک عامل بیرونی و غالب بر معماری است که آنگاه که کالبد بنا به قالب آن تبدیل می‌شود نحوه ورود، انتقال و حضور آن، معماری را خلق می‌کند.

ج - ضرورت و اهداف پژوهش

رویارویی با شرایط امروزی حاکم بر منابع و دیدگاههای نظری و نیز آثار معماری امروز ایران، بیش از پیش فقدان این پاسخها را گوشزد می‌کنند:

_ اهمیت حضور نور در فضای ایرانی که در مطلوبیت اثر راه می‌یابد.

_ مقام ویژه نور در باور ایرانی و تعریف بی‌واسطه حقیقت هستی در آیات و روایات، حکمت

و عرفان ایرانی به واسطه نور.

_ معرفی نور به عنوان شاخصه هویتی فضای معماری.

_ عدم کیفی بودن حضور نور در معماری امروزی در قیاس با حضور نور در گذشته.

لزوم توجه به حقیقت ساحت نور در حکمت و فلسفه‌ی ایرانی و شناسایی، شناساندن و بررسی حضور کیفی نور در بناهای سنتی لزوم بهره‌گیری از اندیشه و تفکر مبانی پی‌ریزی شده در معماری اسلامی را لازم می‌داند تا به‌کارگیری از کثرتها و در نتیجه به وحدت رساندن اثر را بازخوانی نماید.

بنابر مواردی که ذکر گردید، سعی شده تا ضمن طراحی دارالتعلیم با رویکرد نقش نور در معماری ایرانی، به میزان بضاعت ادراکی نگارنده در کیفی نمودن فضا بهره گرفت. از این رو تلاش در جهت شناخت برخی آثار معماری با تأکید بر نقش نور و بیشتر بر پایه نظریات معتبر فراگیر، انجام این پژوهش را آغاز گام برداشتن در تعریف نسبت میان نور و معماری می‌داند.

د- موضوع

عناصر عینی که در بردارنده صورتی ظاهری و پدیده‌های معنایی که در ساحت معماری دارای مقام ظهوری خواهند یافت.

انتخاب دارالتعلیم یعنی انتخاب دو سویه، خود ترکیبی است از کالبد (مکان) و از سوی دیگر اتصال به عالم معنایی و روحانی که در هنر اسلامی دارای وجهی "متجلی" است. در این هنر قدسی پدیده‌ها از وحدتی برخوردارند که هر یک از عناصر شاکله‌ای از کل هستی^۱ را در بر خواهد

^۱ هستی در وجهی از قالب معماری بیان گردیده است.

داشت. و هر یک دارای مقامی است که بی‌فارق از دیگری نقصانی است در نظام کشف شده در اثر هنری، آگاهی مؤثر^۱ از بعد مکان (دارالقرآن)، زمان، حضور و ظهور نظامی مادی و روحانی^۲ در حوزه مورد بحث (معماری) می‌تواند شاکله یک عنصر عینی را بازخوانی نماید^۳. و این محصولی است که تنها از عهده مؤثری ساخته می‌شود که خود نیز می‌بایست حلقه مفقوده این نظام را بشناسد و در دستگاه فکری دو ساحتی پرورش یافته شود.^۴

زمینه‌سازی در شناخت نیروها و قوای درونی، زمینه کشف یک اثر هنری را فراهم می‌آورد که عمدتاً این قوای انسانی در درون، طی سه مرحله به عینیت مبدل می‌شود (قوای حسی، نفسانی و نهایتاً تعقل انسان، (فصلنامه خیال، ش ۸، ۱۳۸۲ ص ۷) و کرسی شایسته سالاری را نمایش می‌دهد. در این میان آثار هنری که عمدتاً صورت یک اثر را شامل می‌شود از طریق قوای خیال بازخوانی می‌گردد و آثار هنری پدید آمده در هنر اسلامی از این جنس می‌باشد.

حقیقت دیگری نیز در این ساحت مقدس نمود می‌یابد و آن کیفیت درک هر کس از معنای هر فضا است. به میزان تطابق (و نگرشی است که طراح به ماده و جهان هستی دارد) درک او با معنای نهایی و حقیقی آن فضا محقق می‌شود (همان، ص ۱۱۱).

در تفکر اسلامی، مکان از آن جهت که محضر خداست تقدس می‌یابد. عالم تجلی خداوند و از این رو مقدس است. این تجلی در مراتبی گوناگون و در طول هم رخ می‌دهد (همان، صفحه ۱۰۴).

^۱ منظور از این واژه، شخص هنرمند است.

^۲ نور از یک سو از اسماء الله و اینکه قول نبی است اول ما خلق الله نوره، و اینکه در حوزه معماری از مبانی اصولی و محصولی در مقام کشف می‌باشد.

^۳ اینکه پدیده‌های عالم قابلیت بازخوانی دارند.

^۴ کلامی که از استاد بزرگوارم آقای محمدرضا اولیا آموخته‌ام.

با این بیان می‌توان ساحت نور و مکان حضور را در راستای یکدیگر قرار داد و تأثیر تجلی نور در بعد مکان را به فعلیت رسانید اگر این تجلی نور را در یک مفهوم و قالبی معنایی و مکان را یک امری مقدس محفوظ داریم، هر دو ساحت، وجوه و حدودی قدسی می‌یابند که قالب هر دو می‌توانند به هدف و مقصود نهایی نزدیکتر شوند.

دارالقرآن کریم محملی است در شناخت دو ساحت ماده (کالبد) و معنا (استفاده از قوای انسانی) و بدان جهت که ساحت معنا را منظر و مقامی است که تجلی حضرت جل و اعلی را ظهوری باطنی می‌نماید، می‌توان از واژه‌های نورانی بهره گرفت (الله نور السموات والارض سوره مبارکه نور، آیه ۳۵) که آسمانها و زمین و هر چه در آن است دارای مقامی نورانی است و از نظامی هوشمند در پس پرده ظلمت حکایت دارد. کلام خداوند نور است، چرا که ساطع شده از ساحتی نورانی است و دارالقرآن مقامی است نورانی زیرا محملی است که تجلی کلام نور در آن عرضه می‌گردد.

انسان، همچون کیهان، اصل الهی را باز می‌تاباند. پس، خود انسان است که با کیهان انس و الفت دارد. او عالم صغیر است، و همچون عالم کبیر، بازتابنده‌ی حقیقتی ماورائی است. (نادر اردلان، لاله بختیار، زمستان ۸۰، ص ل)

به نقل از حضرت رسول (ص) اول ما خلق الله نوره (حسن بلخاری قهی، تهران ۱۳۸۵) نوری که ابتدا به مقام حضرت جل و اعلی و در ساحتی دیگر عالم محسوسات را (به تعبیری دیگر در صور) می‌تواند بازخوانی نماید، دارالقرآن چون صورتگری این دو ساحت است، می‌تواند به محوریت صورتی نورانی تجلی نماید و مقامی است که می‌تواند "صورت و سیرت" مکان را به عرضه ظهور گذارد.

۱- اهمیت مبحث نور

در شناخت انسان از عالم، ادراک انسان دارای کرسی قضاوت می‌باشد. پدیده‌هایی که انسان از طریق ادراک خویش در محیط پیرامون درمی‌یابد، از طریق قوه عینی حاصل می‌شود.

موجودات دیده می‌شوند، دیدنی که لازمه درک ما از پدیده‌هاست و تا حاصل نشود درک ما از موجودات مادی کم رنگ می‌گردد. چشم ظاهر خود به تنهایی پدیده‌ها را احساس نمی‌کند این عمل بواسطه حضور پدیده‌ای دیگر قابل شناسایی می‌شود. اینجاست که عالم روشنایی در مقابل عالم ظلمت قرار می‌گیرد، و روشنایی مرز ورود به شناخت جهان می‌شود. انسان می‌بیند چرا که دیدن (عینی) با وجود نور حاصل می‌گردد. هر یک از اعضاء و جوارح انسان لازمه شناخت و "بودن" او را در عالم ماده پی‌ریزی می‌کنند تا حاصل آن رؤیت از جهان شود. دیدنی که ابتدا با چشم ظاهر قابل حصول خواهد بود.

دیدن این عالم بغیر از پدیده‌هایی که چشم رؤیت می‌کند و عقل حکومت می‌کند از عالمی دیگر نیز بی‌بهره نیست، و آن عالم، عالمی شهود است. عالمی که پدیده‌ها را دیگر از طریق ظاهر نمی‌توان مشاهده نمود، بلکه در عالمی زوختی قابل دریافت خواهد بود.

ساحت نور دارای این دو ویژگی است که هر یک در حیطه خود قابل بررسی است. چشم می‌بیند چرا که نور عاملی است در بینایی ظاهر، و باطن از نوری بهره می‌گیرد که مقام و ساحتی معنوی را نمایانگر خواهد بود. ساحت نور منزلگاه این عالم شهودی است. و بعضاً فانوس انسان در عالمی است که به غیر از ظلمت چیز دیگری را نمی‌تواند ببیند. نور در این عالم ظلمانی همچون شمعی است که انسان را به سوی خود خواهد کشاند. (یخرجهم من الظلمات الی النور - سوره بقره، آیه ۲۵۶، چاپ دوم، ص ۴۲)

۲- نور و ظلمت در قرآن و احادیث:

(منابع مقدس)

اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی این جهان انتخاب کنیم - گرچه مقام با عظمت او از هر شبیه و نظیر برتر است - آیا جز از واژه "نور" می‌توان استفاده کرد؟ همان خدایی که پدیدآورنده تمام جهان هستی است، روشنی بخش عالم آفرینش است، همه

موجودات زنده به برکت فرمان او زنده‌اند، و همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند که اگر لحظه‌ای لطف خود را از آنها بازگیرد همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می‌روند. و جالب این که هر موجودی به هر نسبت با او ارتباط دارد به همان اندازه نورانیت و روشنایی کسب می‌کند:

— قرآن نور است چون کلام اوست.

— آیین اسلام نور است چون آیین اوست.

— پیامبران نورند چون فرستادگان اویند.

— امامان معصوم انوار الهی هستند چون حافظان آیین او از پیامبرانند.

— ایمان نور است چون رمز پیوند با اوست.

بنابراین الله نور السموات والارض (سوره مبارکه نور، آیه ۳۵ ص ۳۵۴)

بلکه اگر نور را به معنی وسیع کلمه به کار بریم یعنی (هر چیزی که ذاتش ظاهر و آشکار و ظاهر کننده غیر باشد) در این صورت به کار بردن کلمه نور در ذات پاک او جنبه تشبیه هم نخواهد داشت، چرا که چیزی در عالم خلقت از او آشکارتر نیست، و تمام آنچه غیر اوست از برکت وجود او آشکار است.

و به این ترتیب همه انوار هستی از نور او مایه می‌گیرد، و به ذات پاک او منتهی می‌شود. قرآن بعد از بیان حقیقت فوق با ذکر یک مثال زیبا و دقیق چگونگی نور الهی را در اینجا مشخص می‌کند و می‌فرماید (مثل نور او "خداوند" همانند چراغ‌دانی است که در آن چراغی پرفروغ باشد، مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوكب دري).

و این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی (یوقد من شجرة مبارکه زیتونه لا زیتونه لا شرقیه و لا غربیه).

روغنش آنچنان صاف و خالص است که نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود (یکاد زیتها یضی و لولم تمسسه نار). نوری است بر فراز نوری (نور علی نور)

— خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند (یهدی الله لنوره من یشاء)

— خداوند برای مردم مثلها می‌زند (ویضرب الله الامثال للناس)

— خداوند به هر چیزی داناست (والله بكل شیء علیم)

توضیح این مثل: نور ایمان که در قلب مؤمنان است دارای همان چهار عاملی است که در یک چراغ پرفروغ موجود است: مصباح همان شعله‌های ایمان است که در قلب مؤمن آشکار می‌گردد و فروغ هدایت از آن منتشر می‌شود. زجاجه و حباب قلب مؤمن است که ایمان را در وجودش تنظیم می‌کند. مشکوه سینه مؤمن و یا به تعبیر دیگر مجموعه شخصیت، آگاهی، علوم و افکار اوست که ایمان وی را از گزند طوفان حوادث مصون می‌دارد. و شجره مبارکه زیتونه (ماده انرژی زا) همان وحی الهی است که عصاره آن در نهایت صفا و پاکی می‌باشد و ایمان مؤمنان به وسیله آن شعله‌ور و پر بار می‌گردد.

در حقیقت این نور خداست، همان نوری که آسمانها و زمین را روشن ساخته و از کانون قلب مؤمنان سربرآورده و تمام وجود و هستی آنها را روشن و نورانی می‌کند. دلائلی را که از عقل و خرد دریافته‌اند با نور وحی آمیخته می‌شود و مصداق نور علی نور می‌گردد. و هم در اینجا است که دل‌های آماده و مستعد به این نور الهی هدایت می‌شوند و مضمون (یهدی الله لنوره من یشاء) در مورد آنان پیاده می‌گردد. و این نور وحی باید از آلودگی به گرایشهای مادی و انحرافی شرقی و غربی که موجب پوسیدگی و کدورت آن می‌شود برکنار باشد. آن چنان صاف و زلال و خالی از هرگونه التقاط و انحراف که بدون نیاز به هیچ چیز دیگر تمام نیروهای وجود انسان را بسیج کند و مصداق (یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسه نار) گردد.

تا بدینجا ویژگیها و مشخصات این نور الهی نور هدایت و ایمان را در لابلای تشبیه به یک چراغ پرفروغ مشاهده کردیم اکنون باید دید این چراغ پرنور در کجاست؟ و محل آن چگونه است؟ آیه می‌فرماید: این چراغ پرفروغ در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند و مرتفع سازند تا از دستبرد دشمنان و شیاطین و هوس بازان در امان باشد (فی بیوت اذن الله ان ترفع - همان، آیه ۳۶) و خانه‌هایی که ذکر نام خدا در آن برده می‌شود و آیات قرآن و حقایق وحی را در آن بخوانند (ویدکر فیها اسمه).